

استعمار قاجار پایان نداشت



قرارداد 1919 میلادی در راستای قرارداد رویبتر نوشته شد. رویبتر اختیار راه، خط آهن، سد، معدن، کانال، کشتیرانی، کشاورزی، بانک، شرکت صنعتی، بهره برداری از جنگلها و مراتع را از ناصرالدین شاه گرفت و کاکس هم اختیار امور مالی و ارتش ایران را قبضه کرد و احمد ماند و حماقت بی پایانش.

قرارداد 1919 میلادی در راستای قرارداد رویبتر نوشته شد. رویبتر اختیار راه، خط آهن، سد، معدن، کانال، کشتیرانی، کشاورزی، بانک، شرکت صنعتی، بهره برداری از جنگلها و مراتع را از ناصرالدین شاه گرفت و کاکس هم اختیار امور مالی و ارتش ایران را قبضه کرد و احمد ماند و حماقت بی پایانش.

به گزارش ایسنا، امروز صدمین سالگرد فسخ قرارداد 1919 است. قراردادی که منابع ثروت و قدرت ایران را یکجا پیشکش امپراتوری بریتانیای کبیر کرد.

حماقت ریشه ای قاجار

همانطور که پدر جد احمدشاه یعنی ناصرالدین شاه قاجار با امضای مجوزی، امتیازنامه رویبتر را به بارون جولوس دو رویبتر یهودی انگلیسی آلمانی تبار داد و با این کار امتیاز ساخت هرگونه راه شوسه و خط آهن، احداث سد از دریای طبرستان تا خلیج فارس، بهره برداری از همه معادن کشور به جز معادن طلا و نقره، احداث شبکه ها و کانالها و قنوات آبی برای کشتیرانی و کشاورزی، تاسیس بانک، ایجاد هر نوع شرکت صنعتی در ایران، حق انحصار منافع عام المنفعه، خرید و فروش توتون و تنباکو، استفاده و بهره برداری از مراتع و جنگلهای کشور را به مدت 70 سال و بهره برداری از گمرکات کشور را به مدت 25 سال در ازای پرداخت 200 هزار لیره انگلیس با سود پنج درصد به رویبتر داد، نواده او احمدشاه نیز ارثیه پدر جد خود به انگلیسی ها را کامل کرد و با امضای قرارداد 1919 اختیار کامل امور مالی و قشون یا همان خزانه کل کشور و ارتش را به این امپراتوری استعمارگر واگذر کرد.

البته بعدا مشخص شد در قرارداد رویبتر مبالغ هنگفتی رشوه به کارگزاران حکومت پرداخت شد. موضوع از این قرار بود که رویبتر تاجر و ثروتمند با نفوذ انگلیسی برای امضای قرارداد به میرزا حسین قزوینی ملقب به دو عنوان مشیرالدوله و سپهسالار، صدراعظم ایران ۵۰ هزار لیره، میرزا ملکم خان ملقب به ناظم الدوله، دیپلمات و سیاست مدار ۲۰ هزار لیره، میرزا محسن خان معین‌الملک وزیرمختار ایران در اسلامبول ۲۰ هزار لیره و مبالغی هم به عنوان رشوه به اقبال الملک پرداخت شد.

امتیازنامه رویبتر را بزرگترین خیانت میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم ناصرالدین شاه می دانند چون همه زندگی اقتصادی و سیاسی ایرانیان را به مدت 70 سال در اختیار رویبتر قرار داد. در قرارداد 1919 نیز کاکس وزیر مختار انگلستان در ایران به تایید دولت فخریه خود 130 هزار لیره انگلیس به میرزا حسن خان وثوق الدوله رئیس الوزرا، فیروز میرزا نصرت الدوله فرزند شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما و اکبر میرزا صارم الدوله هشتمین پسر شاهزاده ظل السلطان و نوه ناصرالدین شاه پرداخت کرد.

وثوق الدوله انعقاد این قرارداد را در راستای حفظ تمامیت ارضی ایران می دانست و معتقد بود: با انعقاد این قرارداد از خودمختاری خوزستان توسط انگلیس جلوگیری به عمل آمد.

روزشمار قرارداد 1919

درآمد ایران در سال 1298 شمسی همان سالی که قرارداد 1919 میلادی بین ایران و انگلستان به امضاء رسید بالغ بر 650 هزار و 324 لیره معادل انگلستان بود که در آن سال قیمت هر لیره برابر با 3 تومان ایران بود.

ویلیام مک لین تاک، حسابدار شرکت نفت ایران و انگلیس گزارشی از کیفیت اجرای قرارداد تهیه کرد که هرگز آن را در مطبوعات ایران منتشر نکرد. او این گزارش را در اختیار دربار گذاشت. مک لین در این گزارش به صراحت نوشت: شرکت نفت ایران حقوق حقه دولت انگلستان را از حق الامتیاز، به طور کامل نداده و 535 هزار لیره کمتر پرداخت کرده است. در آن سال، درآمد ارزی ناشی از نفت ایران بیش از نیم میلیون لیره استرلینگ بود.

اس ای آرمیتاژ اسمیت، مستشار مالی انگلیس در ایران طرح حل اختلاف و تعبیرنامه داریسی را که شرکت نفت ایران با آن موافق بود را به امضای دولت ایران رساند.

4- برای تهیه وسایل نقدی لازم به جهت اصلاحات مذکور در ماده دو و سه این قرارداد، دولت انگلیس حاضر است یک قرض کافی برای دولت ایران تهیه یا ترتیب آن را دهد.

5- دولت انگلستان با تصدیق کامل احتیاجات فوری دولت ایران به ترقی وسایل حمل و نقل که موجب تامین و توسعه می باشد حاضر است با دولت ایران موافقت کرده و اقدامات مشترکه ایران و انگلیس راجع به تامین حفظ راه آهن یا اقسام دیگر وسایل نقلیه تشویق کند.

6- دولتین توافق می کنند در باب تعیین متخصصان برای تشکیل کمیته، که تعرفه گمرکی را مراجعه و تجدیدنظر کرده و با منافع حقه مملکت و تمهید و توسعه وسایل ترقی آن تطبیق نماید. طبق این موارد در نظام آینده ایران وزرای ایرانی در هر وزارتخانه ای که بودند مستشاری بالای سر خود داشتند که از اوامر او نمی توانستند سرپیچی کنند و در صورت بروز اختلاف میان وزیر و مستشار به نحوی یکی از آنها باید کنار برود.

رخ نمایی عامل ایرانی انگلیس

خسرو معتضد تاریخ نگار معتقد است: انگلیسی ها چند وحشت در ایران داشتند. یکی رسیدن نیروهای سرخ روسیه به خلیج فارس که تمام منافع انگلستان را به خطر می انداخت. دوم مردم هندوستان که نفرت زیادی از انگلیسی ها داشتند و سوم نفت ایران که منبع پراهمیتی برای انگلیسی ها بود و همواره در پی تسلط بر منابع نفتی ایران بودند. آنان برای تسلط بر منابع تحت سلطه خود در ایران تصمیم به کودتا گرفتند. حالا چه کسی باید کودتا کند؟ آقای سیدضیاءالدین طباطبایی. چرا؟ چون وی دلال کودتا بود.

وی افزود: سیدضیاءالدین طباطبایی در قرارداد 1919 بین ایران و انگلیس نقش عاقد را داشت. او بر این عقیده بود که ما باید با انگلستان پیوند دوستی ببینیم. سیدضیاء برای اجرای کودتا به دیدار سپه سالار تنکابنی رفت، اما قبول نکرد در کودتا شرکت کند. بعد نزد امان الله میرزا جان آبادی افسر تحصیلکرده سواره نظام قزاق در روسیه رفت که او هم قبول نکرد. بعد نزد امیرموتق نخجوان رفت که از دوستان رضاخان هم بود. او هم قبول نکرد و دست آخر سراغ شخص دیگری رفت و آن شخص کسی نبود جز رضاخان میرپنج که از 12 سالگی وارد قشون قزاق شده بود و فردی فقیر بود.

حمایت از قرارداد 1919 یکی از موضع گیری های سیاسی مهم سید ضیاء الدین طباطبایی رییس الوزرای کودتای سوم اسفند 1299 است. قراردادی که در نزد ایرانی ها با مخالفت هایی هم در دولتمردان و هم در افکار عمومی روبرو شد. وی با وجود آگاهی از مخالفت عمومی با قرارداد مذکور مقالاتی در روزنامه های تحت مدیریتش منتشر کرد.

او که مدیر مسوول روزنامه رعد و چند نشریه و روزنامه دیگر بود در مقالاتی در حمایت از قرارداد 1919 نوشت: «رستاخیز نو ایران از هنگام امضاء قرارداد انگلیس و ایران آغاز شده است... ما در قرارداد با انگلستان به آرزوی دیرین خود دست یافته ایم».

با شدت گرفتن آشفتگی های سیاسی داخلی ایران و ورود روس ها به شهر انزلی در اردیبهشت 1299، دو ماه بعد وثوق الدوله صدر اعظم احمدشاه در 5 تیر ماه مجبور به استعفا شد و مشیرالدوله صدراعظم ناصرالدین شاه که حالا از مخالفان قرارداد 1919 شده بود از طرف احمدشاه به رئیس الوزرای انتخاب شد که البته دولت وی عمر چندانی نکرد. با سقوط دولت وثوق الدوله، کمیته زرگنده یا کمیته آهن که برای پیشبرد اهداف دولت انگلیس تشکیل شده بود در جذب دیگر اعضای کابینه وثوق الدوله ناکام ماند.

سید ضیاء الدین طباطبایی که عضو کمیته آهن بود سعی در احیای آن در قالبی دیگر کرد. یحیی دولت آبادی نویسنده وقایع دوره مشروطیه نوشت: «مدیر رعد در خانه بیلاقی خود نزدیک سفارت انگلیس در زرگنده است. کمیته ای تشکیل داده مرکب از جمعی از ایرانیان و از ارامنه دوست و همفکر و خیال خود در سیاست داخلی و خارجی. این کمیته مخفی است».

کلیه افراد طرفدار قرارداد و بعضی از دوستان وثوق الدوله که از مناصبشان منصرف شدند در این کمیته رفت و آمد داشتند و رابط این کمیته با سفارت انگلیس سید ضیاءالدین طباطبایی بود.

آنان مشغول اقداماتی برای تشکیل کابینه بعد از دولت مشیرالدوله بودند. دولت آبادی نوشت: کمیته زرگنده که اکنون مرکب است از طرفداران قرارداد و یک عده از دموکرات ها و یک جمع از اعتدالیون قدیم که حالا خود را سوسیالیست می خوانند و نظریات انگلیس را هم در تشکیل کابینه و غیره در بر دارد می خواهند رئیس دولتی بر سر کار آورند که با مقاصد خصوصی آن ها همراه باشد و با اجرای قرارداد موافق یا غیر مخالف ... حتی زمزمه می کنند که بر خلاف رسم و عادت مملکت دو نفر از اعضای معمم

کمیته را که سید ضیاءالدین طباطبایی یزدی فرزند آقا سیدعلی طباطبایی یزدی و میرزا محمدصادق طباطبایی فرزند سیدمحمد طباطبایی از رهبران نهضت مشروطه باشند در آن کابینه به مقام وزارت رسانیده یکی وزیر عدلیه بگردد و دیگری وزیر معارف و به این ترتیب رفته رفته زمام امور دولت به دست کمیته درآمده مقاصد انگلستان را در اجرای قرارداد برآورند و خود نیز هر یک به مقاصد شخصی برسند. انگلیسیان هم در این نقشه آن را کمک می نمایند.

لغو ظاهری و اجرای زیرپوستی قرارداد 1919

پیش از اعلام الغای قرارداد 1919 به وسیله سید ضیاءالدین طباطبایی، هرمن کامرون نرمن وزیر مختار انگلیس در ایران به کرزن کلدستون وزیر خارجه انگلیس، اطمینان داد که الغای قرارداد واجد معنا نخواهد بود زیرا سید ضیاء محتوای قرارداد را از طریق افسران و مستشاران مالی انگلستان به اجرا خواهد گذاشت و قزاقخانه را با افسران انگلیسی تجدید سازمان خواهد داد.

وی در این گزارش نوشت: سید ضیاء قصد دارد اداره امور دو دستگاه اصلی (مالیه و قشون) را به دست انگلیسی ها بسپارد.

پس از آنکه سید ضیاء قرارداد 1919 را لغو کرد به نرمن پیشنهاد داد مستشاران مالی و افسران نظامی انگلیسی را برای تجدید سازمان و کنترل مالیه و قشون استخدام کند. وی عنوان کرد هدفش از واگذاری دو تشکیلات مهم مالیه و قشون به انگلیسی ها این است که خاک به چشمان بلشویک ها و ناراضیان داخلی پاشانده شود. سید ضیاء به نرمن اطلاع داد اجرای این سیاست، بیشتر امتیازات و منافع را که بریتانیا انتظار دارد از یک قرارداد غیر عملی کسب کند، نصیب این کشور خواهد کرد.

او پس از مذاکره با سیدضیاء گزارشی را درباره سیاست دولت جدید به کرزن وزیر خارجه انگلیس ارسال کرد. در این گزارش آمد: سیدضیاء سیاست خود را به طور محرمانه برای من چنین شرح داد «کاستن از تعداد وزیران و سپردن کار وزارتخانه ها به معاونین دائمی و لغو قرارداد ایران و انگلیس، زیرا در غیر این صورت دولت قادر نخواهد بود برنامه های خود را اجرا کند و در اعلامیه ای که بدین منظور صادر خواهد شد. دولت خاطرنشان خواهد کرد که ضدیت با قرارداد مذکور نشانه دشمنی دولت ایران با انگلستان نیست بلکه به عکس دولت جدید ایران متشکل از رضاخان میرپنج و سیدضیاءالدین طباطبایی یزدی خواهد کوشید دوستی و حسن نیت کشور انگلستان را نسبت به خود جلب کند زیرا این حسن نیت برای بقا و رفاه ملت ایران ضرورت دارد.

منابع:

1- کتاب تاریخ ایران از نگاه مورخان، نشر ژرف، چاپ دوم 1391

2- خاطرات سیاسی امین الدوله، ص ۲۲، ۳۴؛ اعتمادالسلطنه، کتاب خلسه، ص ۸۶؛ بامداد، رجال ایران، ص ۴۰۷، ۴۱۱؛ فرهاد معتمد، سپهسالار اعظم، ص 17

3- تاریخ بی پی، ج 1، ص 370

4- Henry Rawlinson: England and Russia in the East. Reprint of 1875, Adamant Media Cooperation 2005

5- س.ملیکف. استقرار دیکتاتوری رضا خان در ایران، ترجمه سیروس ایزدی، شرکت سهامی کتاب های جیبی، 1358، ص 30

6- یحیی دولت آبادی، حیات یحیی، جلد چهارم، انتشارات فردوسی، 1361، صفحات 150 و 164

7- قضاوت تاریخ، ص ۲۷۹